

خارج الفقہ

۳۰-۹-۱۴۰۴ فقه اکبر ۳

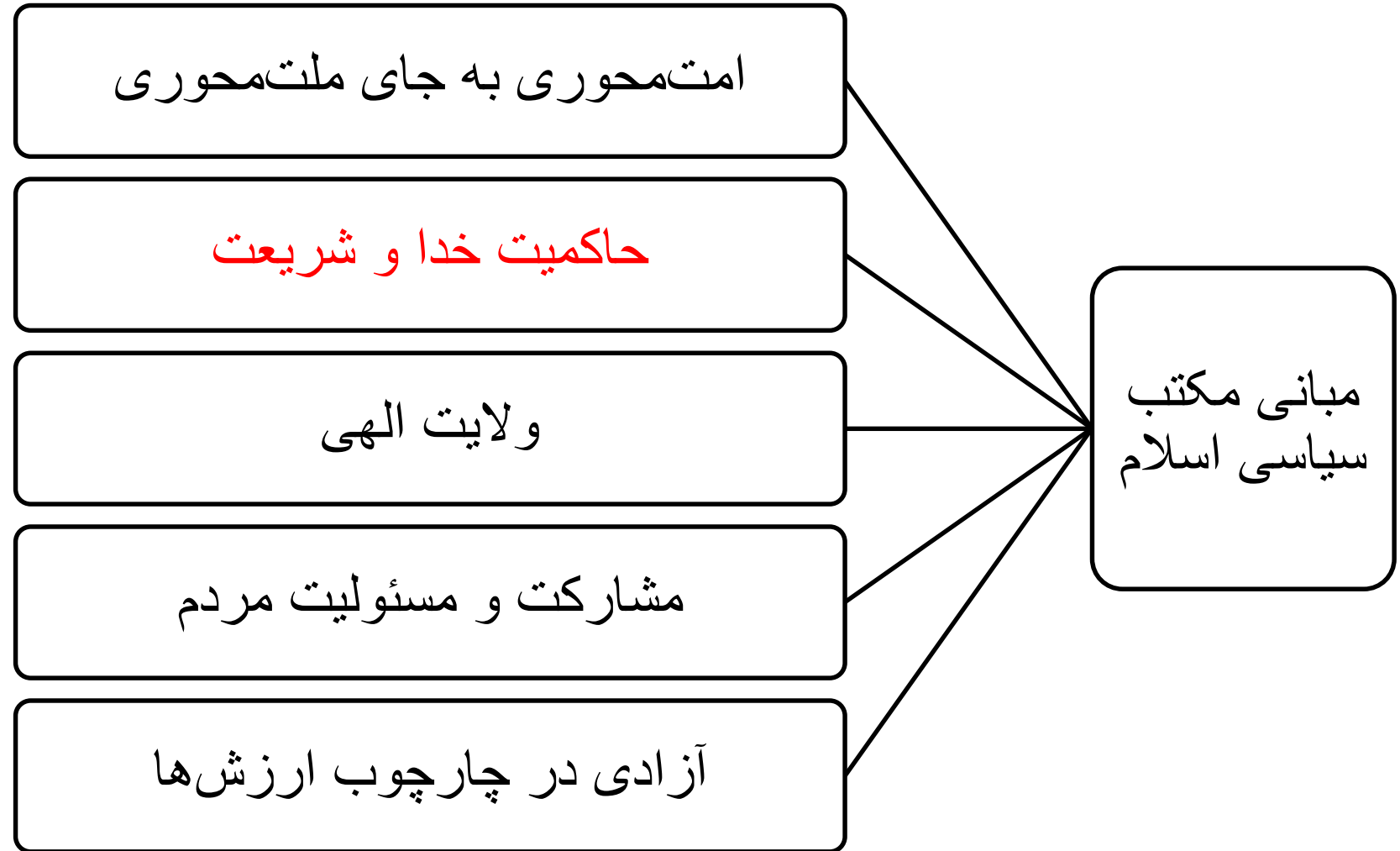
۴۴

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

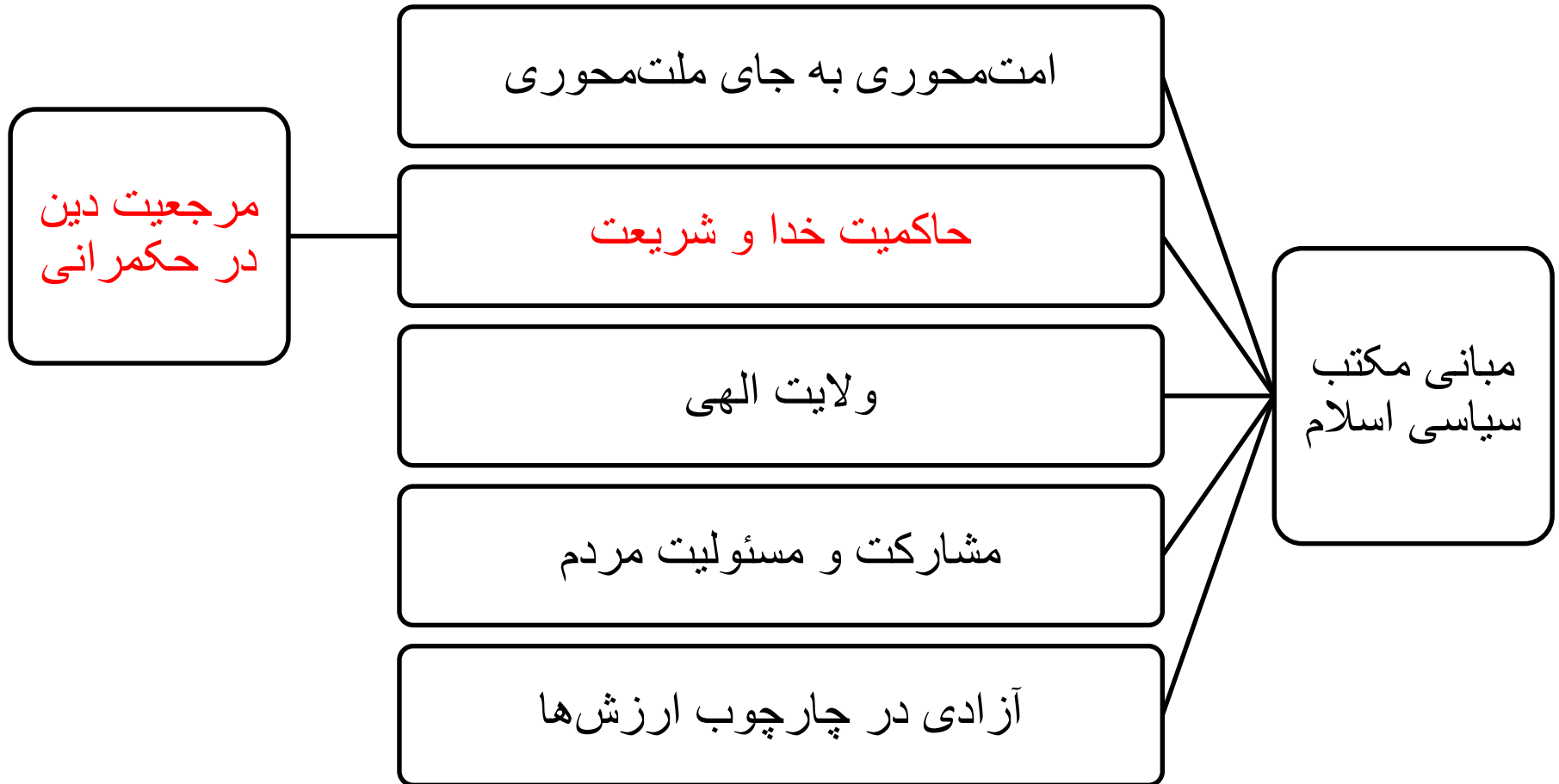
دراسات الاستاذ:

مهدی المادوی الطهرانی

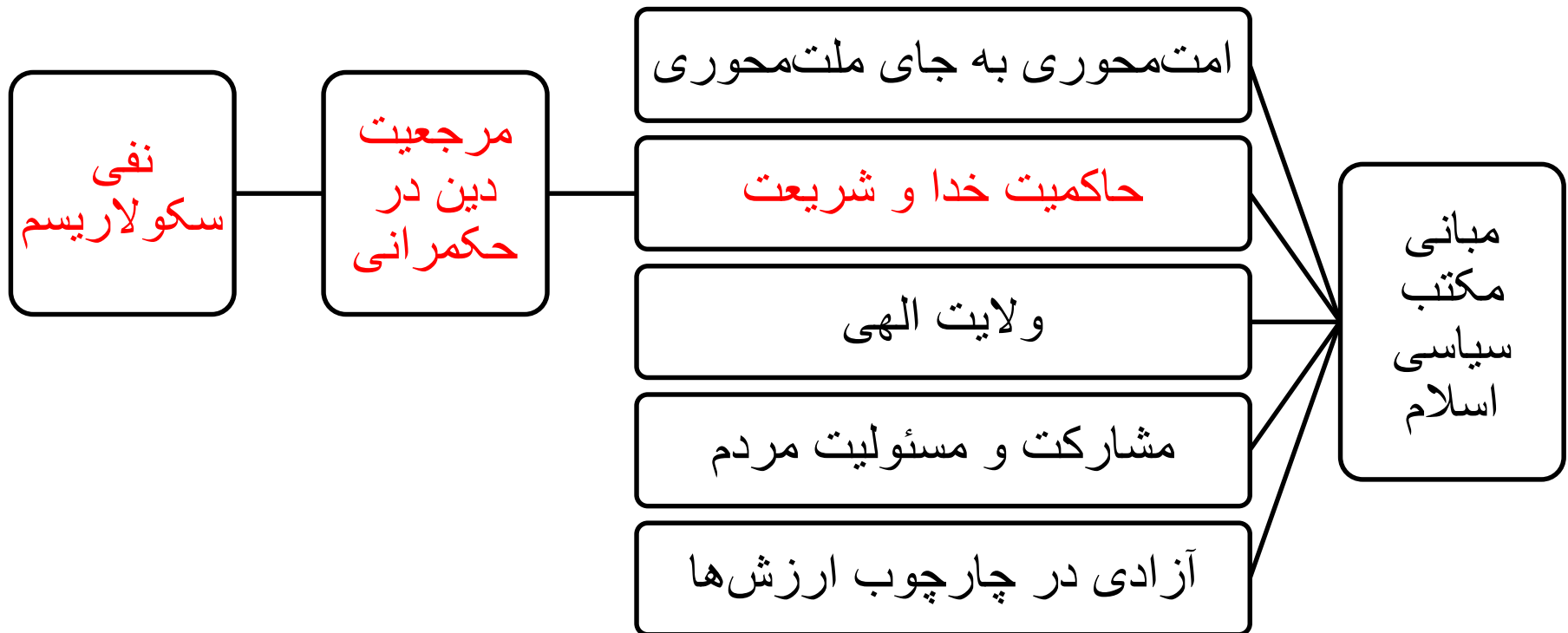
مبانی مکتب سیاسی اسلام



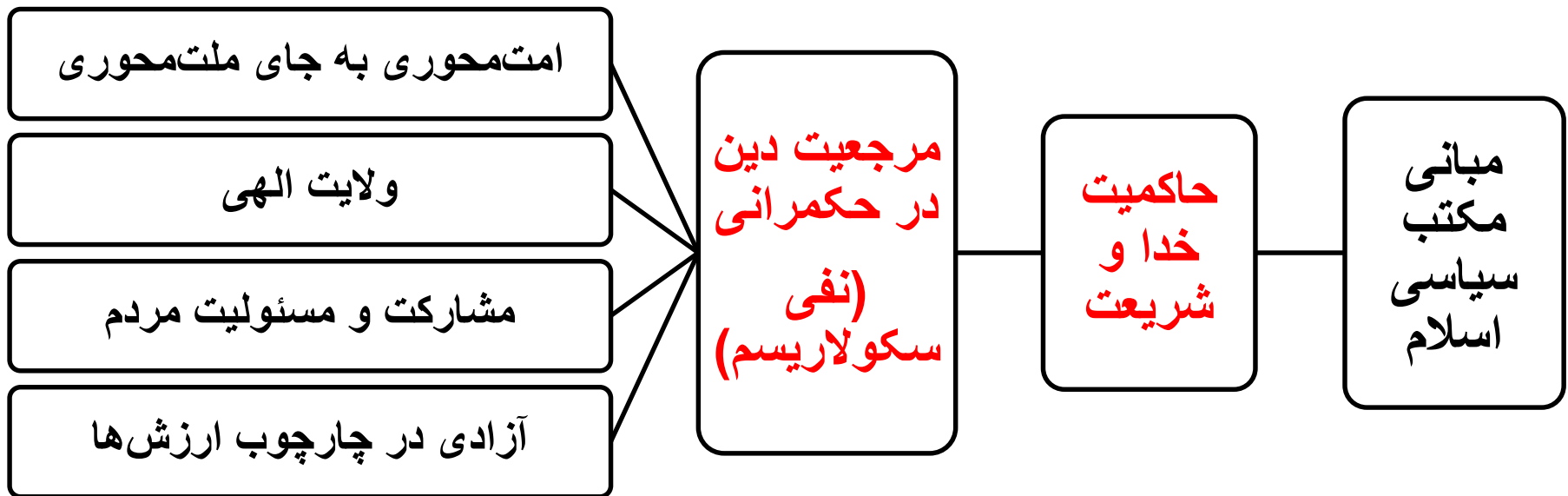
مبانی مکتب سیاسی اسلام



مبانی مکتب سیاسی اسلام



مبانی مکتب سیاسی اسلام



- دین و سیاست
- تصویر ارائه شده از دین، در بحث های گذشته، به طور طبیعی مسأله ی مراجعه به دین را به عنوان منبعی برای سیاست، عقلانی می سازد.
- دینی که آمده تا راه سعادت را برای بشر تا انتهای تاریخ بیان کند، نمی تواند نسبت به امری که همه ی جوامع به آن نیاز دارند، یعنی حکومت، ساکت و بی تفاوت باشد.

- از این رو، امام رضا علیه السلام در فرازی از بیانات خود پیرامون علت وجود حکومت اسلامی می فرماید: «ما هیچ گروه یاملتی را نمی یابیم که بدون زمامدار و سرپرست زندگی کرده، ادامه ی حیات داده باشد، زیرا اداره ی امور دینی و دنیوی آنان به زمامداری مدبر نیازمند است.

- از حکمت باری تعالی به دور است که آفریدگان خود را بدون رهبر و زمامدار رها کند، حال آن که به خوبی می داند مردمان به ناچار باید حاکمی داشته باشند که جامعه را قوام و پایداری بخشد و مردم را در نبرد با دشمنانشان رهبری کند و اموال عمومی را میانشان تقسیم کند و نماز جمعه و جماعات آنان را بر پا دارد و از ستم ستمگران نسبت به مظلومان جلوگیری کند.*»

- ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۶۰.

- از سوی دیگر، ساخت و بافت احکام اسلامی به گونه ای است که وجود حکومت را اقتضا می کند و اسلام بدون حکومت نمی تواند به حیات خود ادامه دهد.

- از این رو، امام رضا علیه السلام در فراز مزبور به اقامه ی نماز جمعه و جماعات اشاره می کند و در فرازی دیگر می فرماید:

- «چنانچه خداوند برای مردم زمام داری امین، حفیظ، و مورد اطمینان قرار نمی داد، به یقین آیین و دین الهی از بین می رفت، احکام و سنن خداوندی تغییر می کرد، بدعت ها در دین افزایش می یافت، بی دینان در مذهب الهی دست برده آن را دچار کاستی می کردند و شبهاتی پیرامون اسلام در میان مسلمانان رواج می دادند.*»
- ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۶۰.

- به همین دلیل، در بین مسلمانان، و بلکه غیر مسلمانان، این امر که اسلام دارای نظامی خاص در حکومت است و حکومت نبوی صلی الله علیه وآله در مدینه مصداقی از این نظام می باشد، هیچ جای تردید نبوده و نیست.

- به گونه ای که وقتی «علی عبدالرزاق» در سال ۱۳۴۳ هجری قمری در کشور مصر با کتاب «الاسلام و اصول الحکم» حکومت نبوی را انکار کرد و ادعا نمود که حضرت صلی الله علیه وآله تنها پیامبر خدا بوده و هرگز اقدام به تشکیل مملکت یا دولتی نکرده است، از سوی علمای جهان تسنن تکفیر شد.

- او در روزگاری این کتاب را نوشت که کمال آتاتورک در ترکیه با انکار خلافت عثمانی، نظام لائیک خویش را بنیان نهاد و در مصر طرفداران خلافت، ملک فؤاد را به عنوان خلیفه مسلمین بر مسند قدرت نشاندند. این هم زمانی نشان می دهد که او نیز تحت تأثیر اندیشه های سکولار غرب قرار داشته و با الهام از مطالب فیلسوفان و سیاستمداران لائیک این مطالب را نگاشته است.

- در واقع، سخن علی عبدالرزاق مشتمل بر دو ادعا بود:
- أ. آنچه رسول اکرم صلی الله علیه وآله در مدینه ایجاد کرد، حکومت نبود.
- ب. آنچه در مدینه رخ داد، دینی نبود.
- علی عبدالرزاق، الاسلام و اصول الحکم، ص ۸۰.

- او برای ادعای اول خود بر این نکته تأکید داشت که آنچه حضرت صلی الله علیه وآله در مدینه ایجاد کرد، هیچیک از ویژگی های حکومت را، به معنای شناخته شده ی آن، نداشت.
- برای مدعای دوم، او بر این امر اصرار می ورزید که شأن نبوت ارتباطی با حکومت و سیاست ندارد.

- در پاسخ به ادعای نخست او باید به این نکته توجه کرد که اگر ما شکل خاصی از حکومت را معیار تحقق آن بدانیم، بدون شک این شکل در تمام زمان ها و در بین تمام اقوام تحقق نداشته است.
- بنابراین، باید تعریفی جامع برای حکومت عرضه کرد، که دارای قابلیت تحقق در اشکال مختلف باشد، تا بر حکومت های گوناگون تطبیق شود.

- چنین تعریفی را این گونه می توان عرضه کرد:
حکومت مجموعه‌ی قدرت سامان یافته‌ای است که اداره‌ی امور جامعه را بر عهده دارد.

- در این تعریف حکومت مشتمل بر مجموعه ی ساختار موجود در حاکمیت است که شامل بخش های:
- قانون گذاری، قضایی و اجرایی می شود.
- از سوی دیگر، در این تعریف تعبیر «قدرت» به حاکمیت و اقتدار حکومت و عبارت «سامان یافته» به ساختار آن اشاره دارد.

- بر اساس این تعریف آنچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه ایجاد کرده یک حکومت به معنای کامل کلمه بود، زیرا قدرتی را سامان می داد که اداره ی امور جامعه را بر عهده داشت. در زمینه ی ساختار اداری حکومت نبوی کتاب های مفصّلی از گذشته تا حال نوشته شده است!

- اما دینی بودن حکومت نبوی با توجه به چند نکته آشکار می شود:

- أ. احکام اسلامی به گونه ای است که بسیاری از آنها بدون تشکیل حکومت قابل اجرا نیست، مانند احکام جزایی، یا قضایی، یا مالی اسلام.
- ب. ادله ای وجود دارد که ولایت و زمامداری جامعه را از آن حضرت صلی الله علیه وآله معرفی می کند که ما در ادامه ی بحث به آن خواهیم پرداخت.

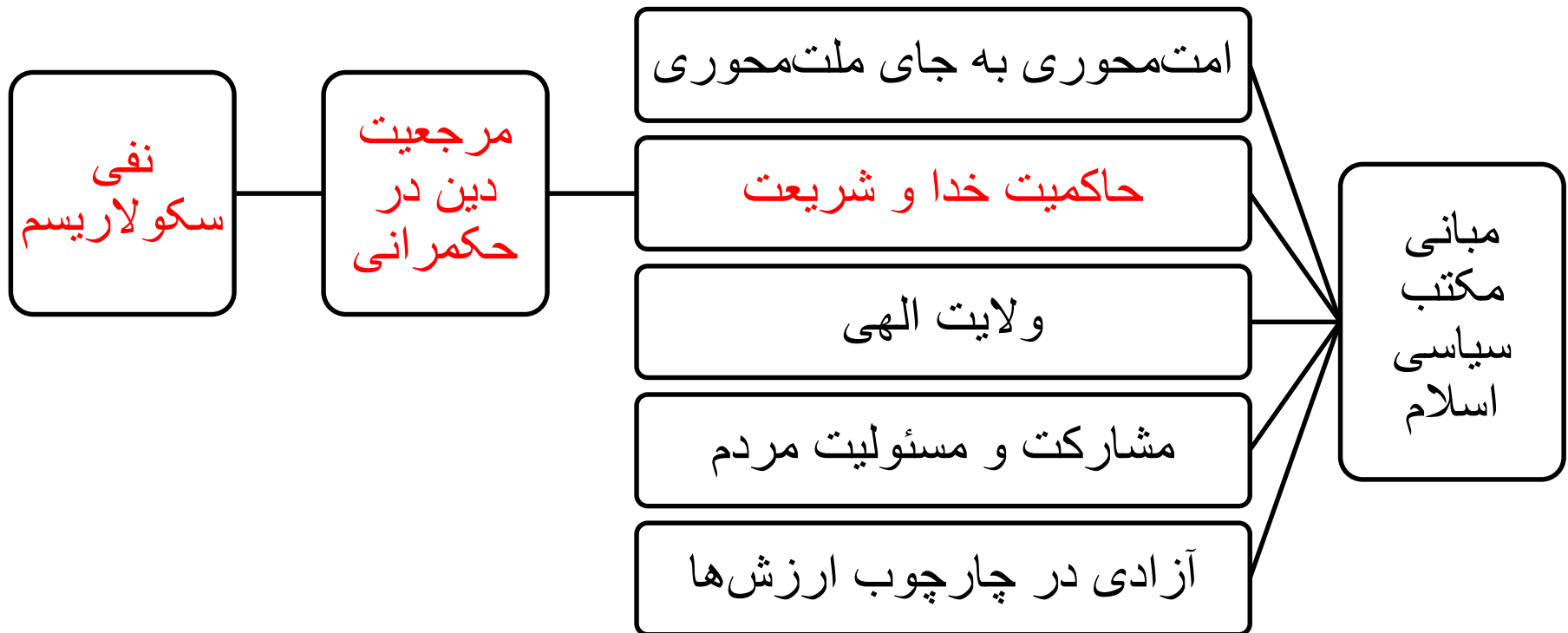
- ج. اگر به راستی نبوت و رسالت با حکومت و سیاست بیگانه باشد، حضرت صلی الله علیه وآله چرا اقدام به تشکیل حکومت و صرف وقت و انرژی در این باب کرد؟ آیا در این صورت غفلت از انجام وظیفه نشده است. اگر گفته شود: حضرت صلی الله علیه وآله برای تبلیغ دین و انجام رسالت به این کار دست زد.

- این جواب از یک سو ترابط وسیع و وثیق دیانت و سیاست را نشان می دهد و از سوی دیگر، این سؤال را جواب نمی دهد که چرا حضرت صلی الله علیه وآله خود شخصاً متصدی حکومت شد و آن را به یکی از یاران مطمئن خود مانند علی علیه السلام واگذار نکرد.

- به هر حال آنچه علی عبدالرزاق **هفتاد سال پیش** از این مطرح کرد و این جریان که امروز در جهان اسلام به اشکال مختلف بروز و ظهور دارد، هنگامی قابل فهم و نقد خواهد بود که ما ریشه های آن را در موطن اصلی آن، یعنی غرب، بازشناسی کنیم و برای شناخت و فرهنگ و فلسفه ی معاصر غرب، باید نگاهی، ولو گذرا، بر تاریخ تفکر مسیحی که بستر فرهنگی غرب را تشکیل می دهد، داشته باشیم.

- مانند، جهشیاری (م: ۳۳۱ هـ) در کتاب «الوزراء و الكتاب» و هلال الصابی (م: ۴۴۸ هـ) در کتاب دیگری به همان نام و ماوردی (م: ۴۵۰ هـ) و ابویعلی (م: ۴۵۸ هـ) در کتاب‌های خود به نام «الاحکام السلطانیة» و ابن تیمیه (م: ۷۲۸ هـ) و ابن قیم الجوزیة (م: ۷۵۱ هـ) در کتاب‌های خود با نام «السیاسة الشرعية» و علی بن محمد بن مسعود الخزاعی (م: ۷۸۹ هـ) در کتاب بسیار مهم خود «تخریج الدلالات السمعیة علی ما کان فی عهد رسول الله صلی الله علیه وآله من الحرف و الصنایع و العمالات الشرعیة» و رفاعة الطهطاوی در کتاب «نهاية الايجاز فی سيرة ساکن الحجاز» و ابن ادریس کتانی در کتاب «التراتب الاداریة».

مبانی مکتب سیاسی اسلام



حاكميت خدا و شريعت

شَقُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ
إِن الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿الأنعام ٥٧﴾

مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ
 بِهَا مِن سُلْطَانٍ **إِن الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ** أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ
 الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿يوسف ٢٠﴾

وَ قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِن أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَ
 مَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ **إِن الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ** عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ
 عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿يوسف ٦٧﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
لِتُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ
وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

اَنَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا
 النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ
 وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا
 عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِي وَ لَا
 تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا
 أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٢٢﴾

و كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ
 الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ
 بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ
 فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ
 بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥﴾

حاكميت خدا و شريعت

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾

وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾

حاكميت خدا و شريعت

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
 مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ **فَأَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ**
اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ
 جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ
 أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لَيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا
 الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
 فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٢٨﴾

حاكميت خدا و شريعت

وَأَنْ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
 وَ اخْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ
 فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ
 ذُنُوبِهِمْ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٢٩﴾

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا
 لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

حاکمیت خدا و شریعت

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرِّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ
لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢ آل عمران﴾

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرِّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
﴿٣٢ ١ آل عمران﴾

حاکمیت خدا و شریعت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾ النساء ﴿٥٩﴾

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ المائدة ﴿٩٢﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ الأنفال ﴿١﴾

حاکمیت خدا و شریعت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ أَنْتُمْ
تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ (الأنفال)

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ
اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾ (الأنفال)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ
عَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ
الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ (النور)

حاكميت خدا و شريعت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا
أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ محمد *

أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ
عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ
خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿المجادلة ١٣﴾ *

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ
الْمُبِينُ ﴿التغابن ١٢﴾ *

حاكميت خدا و شريعت

وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ آل عمران

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ
فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ
مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ لِلّٰهِ مُلْكُ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ اللّٰهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿المائدة ١٧﴾

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ
وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ
بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
مَن يَشَاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿المائدة ١٨﴾

حاکمیت خدا و شریعت

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَ
هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿المائدة ١٢٠﴾

وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ
الْمَصِيرُ ﴿النور ٤٢﴾

حاكمت خدا و شریعت

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿الشورى ٤٩﴾

وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ ﴿الجاثية ٢٧﴾

وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً ﴿الفتح ١٤﴾